

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y5SH19A67774 ISSN-P: 2538-3701

بررسی فقهی لزوم حمایت از تولید و مانع زدایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۹/۱۸)

نسرین قلاوندی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی مرکز خرم آباد

چکیده

هدف از انجام این مقاله بررسی فقهی لزوم حمایت از تولید و مانع زدایی آن می باشد. حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی و مصرف کالاهای داخلی، یکی از اساسی ترین روش های مقابله بانفوذ و استعمار دشمنان و تحریم های اقتصادی است که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز خواهد بود. یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی اسلام، که بر تمام روابط خارجی و بین المللی اسلام در زمینه های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و کلیه روابط مسلمانان باید براساس آن برنامه ریزی شود، اصل مهم و اساسی نفی سلطه یا قاعده نفی سیبیل است. بر اساس این قاعده، هرگونه سلطه یابی کافر بر مسلمان و سلطه پذیری مسلمان از کافر، ممنوع و باطل است. چون عزت اسلامی اقتضا دارد که مؤمن و مسلمان تحت ولایت و سیطره کافر نباشد. این تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه ای انجام گرفت. با استناد به آیات و روایات گفته شده در این پژوهش، می توان به این نتیجه رسید که تولیدات ملی و پشتیبانی و رفع موانع از آن محبوب و مورد رضایت خداوند هست و همچنین می توان نتیجه گرفت که هرگونه ارتباطی که باعث تسلط کفار بر مسلمانان بشود حتی اگر به صورت غیرمستقیم باشد بر اساس این آیه و قاعده نفی سیبیل مورد نکوهش پروردگار هست و باید از آن دوری کرد. می توان گفت حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی در راستای قاعده نفی سیبیل گام بر می دارد و ترجمان قاعده نفی سیبیل هست.

واژگان کلیدی: قاعده نفی سیبیل، استقلال اقتصادی، حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی، مانع

زدایی

توجه به تولید ملی از طریق حمایت و پشتیبانی از تولیدکننده داخلی و ترویج مصرف کالاهای آن‌ها، زمینه رشد اقتصادی و خوداتکایی یک کشور را فراهم می‌کند. کشوری که در عرصه صنعت و اقتصاد خودکفا و متکی به خود باشد، در میدان‌های بین‌المللی حرف برای گفتن دارد و تصمیمات و تمهیدات جهانی او را به وحشت و تسلیم نمی‌کشاند. حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی و مصرف کالاهای داخلی، یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله بانفوذ و استعمار دشمنان و تحریم‌های اقتصادی است که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز خواهد بود. یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی اسلام، که بر تمام روابط خارجی و بین‌المللی اسلام در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و کلیه روابط مسلمانان باید براساس آن برنامه‌ریزی شود، اصل مهم و اساسی نفی سلطه یا قاعده نفی سبیل است. بر اساس این قاعده، هرگونه سلطه یابی کافر بر مسلمان و سلطه‌پذیری مسلمان از کافر، ممنوع و باطل است. چون عزت اسلامی اقتضا دارد که مؤمن و مسلمان تحت ولایت و سیطره کافر نباشد. در صورت عملی شدن این اصل و قاعده فقهی، کفار و بیگانگان کوچک‌ترین راه نفوذ و تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی بر مسلمانان نخواهند داشت. این اصل و قاعده محکم فقهی ضامن حفظ استقلال اسلام و مسلمانان در تمام زمینه‌هاست. برای عملی شدن قاعده نفی سبیل در حکومت اسلامی باید به اقتصاد و توسعه آن توجه ویژه نمود. یکی از مهم‌ترین مبانی و اهداف اقتصاد در حکومت دینی، تلاش در جهت حصول خودکفایی و قطع وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهاست. امروزه ثابت شده است که نتیجه شوم وابستگی اقتصادی، وابستگی در دیگر عرصه‌ها مثل عرصه سیاسی و فرهنگی است و کشوری که به لحاظ سیاسی و فرهنگی، وابسته باشد هرگز نمی‌تواند مستقل باشد و همین عدم استقلال، زمینه‌آوردگی در تمام زمینه‌ها را فراهم می‌کند، و چنین مسئله‌ای با آموزه‌های اسلامی، ناسازگار است، چرا که در قرآن کریم، با صراحت و با تأکید شدید، هرگونه تسلط کافران بر مسلمانان نفی شده است (آیه ۱۴۱، سوره مبارکه نساء).

بخش اول: بررسی و تحلیل ماهیتی موضوع

در جهان امروزی حمله نظامی کشورهای قدرتمند به کشورهای ضعیف جهت استعمار درآوردن آن‌ها و چپاول دارایی‌هایشان از طریق حکومت بر آن‌ها از رونق افتاده است. گویا سردمداران غربی راه

بهتری برای تسلط کشورها پیدا نموده اند. یکی از رایج ترین راه های تسلط کشورهای غربی بر جوامع کنونی فلج کردن چرخه تولید و صنعت کشورها، نیازمند و وابسته نمودن آن ها در همه شئون زندگی و همه امکانات مورد نیاز به کشور قدرتمند غربی است. وقتی به بسیاری از کشورهای مسلمان نشین جهان نظر می کنیم، متوجه می شویم که در صنعت و اقتصاد کاملاً وابسته و متکی به غرب هستند و هیچ چیز از خود ندارند. کشور امارات در حاشیه خلیج فارس با وجود دارا بودن جدیدترین و مدرن ترین امکانات و تجهیزات متنوع چرخه تولید ساده ترین این اقلام را هم در کشور خود ندارند. مسلماً در چنین شرایطی اگر هم پیمانان غربی این کشور بخواهند ورود این امکانات و تجهیزات را به آن تحریم کنند، این کشور به چنان بدبختی و فلاکتی دچار می شود که قابل تصور نیست. پس لازم است سردمداران این کشور همیشه در مقابل قدرت های غربی زانو بزنند و سر تسلیم فرود آورند تا زمانی به این بلا و مکافات دچار نشوند. این خفت بزرگی برای یک کشور مسلمان است. وضع بسیاری از کشورهای مسلمان نشین دیگر جهان نیز از این بهتر نیست (زنگنه فرد، ۱۳۹۱، ص ۳۶). تمرکز کشور بر تولید ملی، به تقویت و تحکیم زیرساخت های کشور می انجامد، استقلال کشور را تضمین می کند، زمینه ها و فرصت های اشتغال را گسترش می دهد و می تواند راه کارهای منطقی و عینی برای حل معضل بیکاری، قلمداد شود. در نتیجه، از سرمایه های موجود که در برخی موارد در شغل ها و عرصه های کاذب هزینه می شوند و معیشت مردم را به درآمدهای نامشروع آلوده می سازند، استفاده مطلوب و بهینه و مشروع سازی ثروت، محقق می شود. طبیعی است، آخرین ترفند مستکبران جهانی و شیطان بزرگ برای مهار انقلاب اسلامی، تحریم و فشار اقتصادی، تجاری و بانکی است، بنابراین، با تمرکز بر تولید ملی، می توان کشور را از وابستگی به خارج نجات داد و در این مرحله از عمر پربرکت انقلاب اسلامی نیز مستکبرین جهانی را به بن بست کشانید. در سایه تولید، می توان از فقر و محرومیت کاست، بر توسعه و آبادانی افزود، شور و نشاط کار و تلاش را بالا برد، بیکاری را کاهش داد و مهارت های علمی و اقتصادی را بیشتر کرد (محمدی متکازینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸).

بخش دوم: اهمیت و ضرورت نگارش این مقاله

امروزه اهمیت (توسعه اقتصادی) و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه ای آرمانی، بر هیچ کس پوشیده نیست تا آنجا که می توان آن را از اولویت های دنیای امروز دانست، اولییتی که بر اساس آن بسیاری از محاسبات و معادلات جهانی شکل میگیرد. پیشرفت و توسعه اقتصادی همراه خود تغییرات مهمی را

در بنیادهای جامعه به وجود می آورد و این دگرگونی ها دقیقاً متناسب با نوع پیشرفت و روند توسعه اقتصادی است. بی شک برای کنترل و هدایت تحولات بنیادین جامعه، داشتن نظام اقتصادی مستقل و متناسب با فرهنگ و بینش و اعتقاد پیش بینی شده جامعه ضروری است. شعار استقلال و آزادی و استقرار نظام حکومت اسلامی بدون خودکفایی اقتصادی و رهایی از وابستگی و اسارت اقتصادی قابل قبول نیست. بدون اقتصاد سالم این هدف ها غیرقابل تأمین است. زیرا نیازمندی ملازم با اسارت و بردگی است. ملتی مستقل است که تأمین زندگی آبرومندانه از (کفاف و عفاف) جهش اقتصادی داشته باشد. در اسلام بر اساس اصل وظائف اولیه هر مسلمان شمرده می شود چنانکه نفی سلطه و استیلا اقتصادی بیگانه از اهم واجبات جامعه اسلامی است. بنابراین با توجه به اهمیت اقتصاد و اتکا به اقتصاد و تولید داخل، این تحقیق در راستای لزوم تولید و موانع زدایی جهت ایجاد اقتصادی پویا صورت گرفته است.

بخش سوم: اهداف، فرضیات و سوال های تحقیق

- هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش بررسی فقهی شعار سال ۱۴۰۰ یعنی بررسی فقهی حمایت از تولید و موانع زدایی می باشد.

- هدف فرعی

بررسی قاعده نفی سبیل و تطبیق آن با موضوع تحقیق می باشد.

- فرضیه ها و سوال های تحقیق

حکم فقها در مورد تولید ملی و پشتیبانی و برداشتن موانع آن چیست ؟

آیا تولید ملی و برداشتن موانع و حمایت از آن باعث رونق و توسعه اقتصادی می شود؟

آیا رونق و توسعه اقتصادی زمینه عمل به قاعده نفی سبیل را فراهم می کند؟

بخش چهارم: مفاهیم کلی تحقیق

بند اول: تولید ملی

تولید ملی در اقتصاد (محصول ملی) به ارزش پولی برای همه کالاها و خدماتی که در دوره معینی، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شده، گفته می شود. این مفهوم تولید ملی یک جریان در واحد زمان است و معمولاً بر حسب دلار در سال، پوند در سال، ریال در سال،... و مانند این ها بیان می شود. درآمد ملی به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره معینی در کشوری، در جریان تولید، کسب شده گفته می شود هزینه ملی، ارزش پولی تمام هزینه هایی است که در دوره معینی در کشوری پرداخت شده است. تولید ملی را بسته به اینکه هزینه های تولید از آن کم شده یا خیر می توان به دو زیرشاخه تقسیم نمود:

- تولید خالص ملی

- تولید ناخالص ملی

در تعریف تولید (محصول) یا درآمد یا هزینه ملی، مختاریم هزینه استهلاک کالاهای سرمایه ای دوره مربوطه را کسر کنیم یا نکنیم. اگر این هزینه ها کسر شود، نتیجه تولید، درآمد و هزینه خالص است، اگر کسر نشود، نتیجه تولید، درآمد و هزینه ناخالص است.

بنابراین می توانیم تولید خالص و ناخالص ملی را این گونه تعریف کنیم:

الف- اگر از تولید ناخالص ملی هزینه استهلاک کالاهای سرمایه ای و دیگر دارایی های سرمایه کسر شود (تولید خالص ملی) به دست می آید.

ب- (تولید ناخالص ملی) ارزش بازاری همه کالاها و خدمات تولیدی توسط نیروی کار و دارایی های عرضه شده توسط ساکنان یک کشور است. تولید نیروی کار و دارایی های عرضه شده توسط ساکنان یک کشور است. تولید ناخالص ملی مجموع ارزش کالاها و خدمات سالیانه تولیدی یک کشور است. از آن به عنوان میانگین درآمد شهروندان یک ملت یاد می شود (مفتخری مظاهری، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

بند دوم: قاعده نفی سبیل

قواعد در لغت، جمع قاعده است و پایه و اساس چیزی را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۷۹). خواه مادی باشد، مانند قواعد (پایه های) ساختمان و خواه معنوی، مانند قواعد دین که به معنای ارکان و ستون های دین است. در قرآن هم قواعد به همین معنی آمده است (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۲۷). معنای اصطلاحی قاعده، رابطه تنگاتنگی با معنای لغوی آن دارد، تهانوی در توصیف معنای اصطلاحی قاعده می نویسد:

وَعَرَفَ بِأَنَّهَا أَمْرٌ كَلِّيٌّ مُنْتَبِطٌ عَلَى جَمِيعِ جُزْئِيَّاتِهِ عِنْدَ تَعَرُّفِ أَحْكَامِهَا مِنْهُ (تهانوی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۹۵). ترجمه: قاعده امری است کلی که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد. در تعریف قواعد فقهی میان فقیهان اتفاق نظری وجود ندارد و هر یک از تعاریف به یکی از جنبه های تمایز قاعده فقهی با سایر قواعد اشاره دارد.

برخی در تعریف قاعده فقهی گفته اند:

انها قواعد تقع فی طریق استفادۀ الاحکام الشرعیة الالهیة و لا یکون ذلک من باب الاستنباط و التوسیط بل من باب التطبيق (موسوی خویی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸).

ترجمه: قواعد فقهی قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسیط نبوده بلکه از باب تطبیق است.

ایشان در جای دیگر از همین کتاب درباره معنای تطبیق بیان نموده اند که:

أی تطبیق مضامینها بنفسها علی مصادیقها کتطبیق الطبیعی علی افراده (موسوی خویی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸). به عنوان مثال می توان یکی از مصادیق قاعده فقهی نفی سبیل را، حمایت و پشتیبانی از تولید ملی دانست.

بند سوم: مفهوم قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد فقهی که در اکثر ابواب فقه مثل معاملات، نکاح، ولایات و ارث کاربرد داشته و از اصول حاکم بر سیاست خارجی و اقتصادی حکومت اسلامی هست، قاعده نفی سبیل است. قاعده نفی سبیل، اصل مترقی و کارآمدی است که استقلال و عزت مسلمانان را به شایستگی تضمین می کند.

آیه الله العظمی سید حسن بن آقابزرگ موسوی بجنوردی قاعده نفی سبیل را این طور تعریف نموده اند:

أنه لم يجعل الله تبارك و تعالی فی التشريع الإسلامی حکما یكون من ناحیه ذلك الحکم سیلا و علوا للکافر علی المسلم (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۸).

ترجمه: خداوند تبارک و تعالی، در تشریح احکام اسلام، حکمی که از ناحیه آن حکم، سلطه و برتری برای کافر نسبت به مسلمان باشد قرار نداده است.

به عبارت دیگر، این قاعده در پی حفظ سیادت و برتری مسلمانان است، و می خواهد از تسلط کفار بر مسلمانان در حوزه های مختلف جلوگیری نماید. حوزه اقتصاد یکی از مهم ترین راه هایی است که کفار در پی برتری جویی و تسلط بر مسلمانان هستند. چرا که ضعف اقتصادی در یک دولت باعث برتری و سلطه کشورهای دیگر بر آن می شود. البته این به معنای نفی رابطه اقتصادی با جهان نیست بلکه نفی سلطه اقتصادی است. در نتیجه با توجه به قاعده نفی سبیل باید از تسلط اقتصادی کفار ممانعت نمود، که یکی از راه های آن حمایت و پشتیبانی از تولیدات مسلمانان است.

بند چهارم: مستندات قاعده نفی سبیل

قرآن: برای اثبات مشروعیت قاعده نفی سبیل دلایل گوناگونی آورده شده است. اولین دلیل آیه ای است از قرآن کریم که به آیه نفی سبیل مشهور است، و ظاهراً نام قاعده از همین آیه کریمه اقتباس شده است. در این آیه خداوند به صراحت سلطه کافران بر مؤمنان را نفی نموده است.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ عَلَيْهِمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۱).

منافقان همان‌ها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند، اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ [پس با شما شریک خواهیم بود!] خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند، و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

ممکن است بگوییم این آیه به قرینه ما قبل آن « قَالَهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » ناظر به روز قیامت است یعنی در آن روز نیز غلبه حجت و منطق در محکمه عمل الهی با مؤمنین است و کفار بر آن‌ها هیچ راهی ندارند (شیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۴۳۵۴).

انَّ مَجْرَدَ الْمَسْبُوقِ بِذَلِكَ لَا دَلَالَةَ لَهُ عَلَى الْاِخْتِصَاصِ، وَقَدْ اِشْتَهَرَ انْ الْمُرَادُ لَا يَكُونُ مَخْصَصًا، غَايَةُ الْأَمْرِ انَّ الْمَسْبُوقِ تَوْجِبُ تَعْمِيمِ (موحدی لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۵).

ترجمه: مجرد آیه قبل که در مورد قیامت است دلالت بر اختصاص ندارد، و مشهور است که این مورد مخصص آیه نفی سیل نیست. در نهایت موجب تعمیم می‌شود.

سنت: روایت مشهور از پیامبر اکرم (ص) است، که فرمود:

الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلى عَلَيْهِ، وَ الْكُفْرُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴).

ترجمه: اسلام همچنان به برتری می‌رود، و هیچ دینی بر آن برتر نمی‌شود. و کفار بمنزله مردگانند که نه حاجب از ارث میشوند، و نه ارث می‌برند

بزرگان فقه‌های عظام ما از متقدمین امثال شیخ صدوق و پدر او علی بن بابویه و شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی (قدس سره) و دیگران این روایت را نقل کرده‌اند و خبر تلقی به قبول شده است

و نزد همه مشهور است دیگر نمی توان در حجیت آن خدشه کرد، زیرا از عمل امثال شیخ صدوق و پدر او و مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و غیرذلک وثوق به صدور پیدا می شود. صدوق (ره) در مقدمه من لایحضره الفقیه خود می فرماید:

بینی و بین الله هر چه را در اینجا نقل می کنم معتبر می دانم و برای اختصار اسناد روایات را حذف کرده ام (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۵۳).

فی هذا الحدیث الشریف جملتان: إحداهما موجبه، و الأخرى سالبه، و مفاد الجملة الأولى الموجبه هو أنّ الأحكام المجعولة فی الإسلام فیما یرجع إلى الأمور التي بین المسلمین و الکفار روعی فیها علو جانب المسلمین علی الکفار، و مفاد الجملة السالبة عدم علو الکافر علی المسلمین من ناحیه تلك الأحكام المجعولة. و مما ذکرنا ظهر جواب أنّ علو الإسلام لا دخل له بعلو المسلمین، إذ معنی علو (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۹۰).

شرح: این حدیث از دو بخش صدر و ذیل تشکیل شده است. صدر حدیث شامل الأسلام یعلو و لا یعلی علیه است. و ذیل آن و الکفار بمنزلة الموتی لا یحجون و لا یرثون است صدر حدیث نیز دارای دو جمله است: اولی موجبه و دومی سالبه. مفاد جمله موجبه به قرینه ذیل حدیث این است که احکام قانون گذاری شده در اسلام جانب علو مسلمان بر کافر رعایت شده است، و مفاد جمله سالبه این است که کافر از ناحیه احکام تشریعی بر مسلمانان برتری نخواهد داشت، و از آنجا که در ذیل آیه سخن از احکام تشریعی است، این خود قرینه است بر اینکه روایت در مقام انشاء و جعل است نه اخبار، گرچه از ظاهر « یعلو » اخبار از علو اسلام در زمان آینده فهمیده می شود.

بخش پنجم: کار و تولید از منظر فقه و قرآن

اهمیت تولید ملی را می توان، در آیات متعددی از قرآن کریم یافت، که به نحو اختصار به بررسی بعضی از این آیات می پردازیم:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَمْ نَسْتَحْوِذُ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۱).

ترجمه: منافقان همان ها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم اگر بهرهای نصیب کافران گردد، به آنان میگویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمیکردیم؟ پس با شما شریک خواهیم بود! خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. یکی از آیاتی که می توان در اهمیت تولیدات ملی از آن استفاده کرد، این آیه شریفه است که با صراحت تمام بیان می کند که جامعه اسلامی باید در صدد باشد که در زیر سلطه بیگانگان و دشمنان قرار نگیرد. روشن است که وابستگی اقتصادی همان طور که امام خمینی رحمه الله علیه فرمودند منشأ تمام وابستگی ها و در نتیجه قرار گرفتن در تحت سلطه بیگانگان خواهد بود، اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب می شود که وابستگی سیاسی هم پیدا بکنیم، وابستگی نظامی هم پیدا بکنیم. مملکتمان باز برگردد به آن حالتی که سابق بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۱). همچنین آیه زیر به این موضوع اشاره می کند که خداوند برای کسانی که مالشان را جمع کرده و از چرخه اقتصاد جامعه خارج کرده اند، به عذاب دردناک بشارت داده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبُطْلِ وَيَصِدُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید (متوجه باشید که) بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می خورند و از راه خدا جلوگیری می کنند و کسانی که طلا و نقره گنجینه می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به عذاب دردناکی بشارتشان ده. راغب در مفردات می گوید: کلمه (کنز) به معنای روی هم نهادن مال و نگهداری آن است و در اصل از کنز خرما گرفته شده و زمان کنز، آن فصلی است که در آن خرما ذخیره می شود و (ناقۀ کناز) آن شتری است که گوشت بدنش روی هم انباشته شده و به عبارت ساده تر چاق باشد و (یکنزون) در جمله (و الذین یکنزون الذهب و الفضة) به معنای انباشتن و ذخیره کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۲۷). پس در همه موارد استعمال این کلمه، یک معنا نهفته است و آن نگهداری و ذخیره مال و خودداری از این است که در میان مردم جریان پیدا کند و زیادتیر شود و انتفاع از آن عمومی تر گردد، یکی از آن با دانش منتفع

شود و دیگری با گرفتن آن و سومی با عمل کردن روی آن، و این عمل یعنی کنز و ذخیره کردن مال، در سابق به صورت دینه کردن آن صورت می گرفته چون بانک و مخازن عمومی در کار نبوده، ناگزیر می شدند برای آنکه سوءقصدی به آن نشود آن را در زمین دفن کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۳۲). چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می کرد و هم دیگران از آن بهره مند می شدند و در عین اینکه در راه خدا انفاق نمی کرد خائن به خدا و رسول به شمار نمی رفت، زیرا ثروت خود را در مرای و منظر همه قرار داده بود به طوری که اگر زمامدار مسلمین احتیاج ضروری پیدا می کرد می توانست به او بگوید فلان مقدار در راه خدا انفاق کن (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۳۳). به طوری که از کلام خود خدای تعالی برمی آید، انفاق در راه خدا عبارت است از آن انفاقی که قوام دین بر آن است، به طوری که اگر در آن مورد انفاق نشود بر اساس دین لطمه وارد می آید، مانند انفاق در جهاد و در جمیع مصالح دینی که حفظش واجب است و همچنین آن شئون اجتماعی مسلمین که با زمین ماندنش شیرازه اجتماع از هم گسیخته می گردد و نیز حقوق مالی واجبی که دین آن را به منظور تحکیم اساس اجتماع تشریح کرده، پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه، درباره حوایج ضروریات سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد، چون او خود را بر خدایش مقدم داشته و احتیاج موهوم و احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۳۳). آیه دیگری که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد آیه ۶۱ سوره مبارکه هود است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ
 وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَتوبوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (قرآن کریم، سوره هود، آیه ۶۱).

ترجمه: و به سوی [قوم] تمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت ای قوم من، خدا را بپرستید. برای شما هیچ معبودی جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد پس از او آمرزش بخواهید. آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است.

با بررسی و دقت نظر در تفسیر و معنی آیات بالا، می توان به این نتیجه رسید که اگر سرمایه راکد باشد و از آن در پیشرفت جامعه اسلامی استفاده نشود مبعوض خداوند است و عذاب اخروی را در پی دارد. همچنین مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصادیات جامعه است

که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده است، و بدیهی است که برای پیشرفت اقتصاد یک جامعه باید به تولیدات آن اهمیت ویژه داد. پس می توان به این نتیجه رسید که تولیدات و پشتیبانی از آن و همچنین رفع موانع آن محبوب پروردگار است و باعث ثواب اخروی هست.

بخش ششم: کار و تولید از منظر سنت

در نصوص دینی ما تأکید فراوانی هم بر مقوله کار و هم بر مقوله تولید گردیده است. اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده، از بیکاری، تنبلی و سربار دیگران شدن به شدت منع نموده است. نیازمندی و احتیاج به دیگران، جامعه، کشور، دولت و حکومت را به وابستگی اقتصادی و سپس وابستگی سیاسی وادار می کند، پس واجب است که مسلمانان به پدید آوردن صنایع مختلف و نوین اهتمام ورزند تا چنان شود که نیازی به بیگانگان پیدا نکنند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۳۵) که امیرالمؤمنین می فرماید:

إستغن عمن شئت و کن نظیره، إحتج إلی من شئت و کن أسیره (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۳۴)

ترجمه: از هر کس بی نیاز باشی نظیر اوئی و به هر کس نیازمند باشی اسیر اوئی.

همچنین امام صادق (ع) به روایت از پدران بزرگوارشان سربلندی و خیر امت را در استفاده از تولیدات ملی می دانند و مردم را به این روش توصیه می کنند:

منه، عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة و محمد بن سنان عن طلحة بن زيد عن أبي عبد الله عن آبائه (ع) أن علياً (ع) كان لا ينخلُ كه الدقيق و كان علي (ع) يقولُ لا تزالُ هذه الأمةُ بخير ما لم يلبسوا لباس عجم و يطعموا أطمعة العجم فإذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۶۳، ص ۳۲۴).

ترجمه: امام صادق (ع) به روایات از پدرانش: برای علی (ع) آرد را نمی بیختند و علی (ع) می فرمود: کار این امت به خیر است تا آن زمان که لباس عجم (غیر عرب) نپوشند و خوراک های عجم نخورند، و چون چنین کنند خدا آنان را خوار می کند.

مسلمانان در صدر اسلام زندگی ساده داشتند و ایمان اسلامی، - از راه برانگیختن آنان به ساده زیستی و بی نیازی از آنان امتی استوار و نیرومند و متکی به خود و عزیز ساخته بود و به سبب همین صفت

های ارزشی بود که بر هر کس که با آنان کارزار می کرد پیروز می شدند، لیکن از آن به بعد بیشتر در نعمت های رنگارنگ فرورفتند و به زندگی های اشرافی و مصرف گرایی روی آوردند. جامعه اسلامی تا زمانی که سادهدزستی و پایداری را ترک نکرده است، به هدف های خود می رسد و عزت و سربلندی خود را حفظ می کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۱۵).

فرازهایی از فرمایش حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در خصوص حمایت از کسانی که در بخش های مختلف برای رفاه و آبادانی جامعه تلاش می کنند، نیز ناظر بر همین مسئله است. حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه به اهمیت تولیدکنندگان برای قوام نظام و زندگی مردم اشاره می کنند. در یک فراز امام (ع) جامعه را به هفت طبقه که در واقع هفتعمود خیمه زندگی اجتماعی بشر است تقسیم فرموده، هر چند طبقات دیگری نیز می توان پیدا کرد، ولی عمده و اساس همین هفتتشر هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۴۷). بعد از نام بردن این هفت طبقه، اشاره ای اجمالی به وظایف و حقوق آن ها کرده و به دنبال آن به شرح مبسوطی درباره ویژگی ها و صفات و وظایف و حقوق هر کدام از این طبقات می پردازد. یکی از این طبقات تاجران و صنعت گران اند، که به عنوان قسمت مهمی از جامعه اسلامی در آن روز و مخصوصاً امروز را تشکیل می دهند که امام توصیه های متعددی در ادامه این نامه درباره آن ها دارد و ارتباط آن ها را با دیگر طبقات بیان می فرمایند:

وَلَا قَوْمَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالْتُّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَاقِمِهِمْ وَ يَقِيمُونَ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ وَ يَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرَفِّقِ بِأَيْدِيهِمْ مِمَّا لَا يَبْلُغُهُ رِقْفٌ غَيْرِهِمْ (سید رضی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۷۱).

ترجمه: همه این گروه ها نیز بدون تجار و پیشهوران و صنعتگران سامان نمی یابد (زیرا) آن ها (تجار و صنعت گران) وسایل زندگی ایشان (گروه های پیشین) را جمع آوری کرده و در بازارها عرضه می کنند و (گروهی از آنان) وسایل و ابزاری را با دست خود می سازند که دیگران قادر به آن نیستند.

مقصود از تجارت در اصطلاح احادیث اسلامی، معنای عام آن، یعنی انواع کسب و خرید و فروش است، خواه با تولید باشد، یا وارد کردن کالا از خارج، یا گونه های دیگر کسب و خرید و فروش. پس هم شامل تجارت اصطلاحی می شود و هم انواع دیگر کسب و حرفه و پیشه را شامل می شود. چنان که امام علی (ع) می فرمایند:

تَعَرَّضُوا لِلتُّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا - غَنَى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ - وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ -
الْمُعْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۱).

ترجمه: به کسب و تجارت پردازید تا از مال دیگران بی نیاز باشید، خدای بزرگ پیشه ورِ امین را دوست می دارد. اگر زیان کند ستایش نمی شود و اجری هم ندارد.

از تعالیم اسلامی چنان بر می آید که تجارت نیز کاری است که باید بازرگانان و واردکنندگان اجناس به آن کار پردازند، چنان که امام علی (ع) اغلب آنان را چنین توصیف می کنند:

و وَجَلَّابُهَا مِنَ الْمُبَاعَدِ وَ أَلَمِ طَارِحِ فِي بَرْكٍ وَ بَحْرِكِ وَ سَهْلِكِ وَ جَبَلِكِ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمُ النَّاسُ
لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرِعُونَ عَلَيْهِ (سید رضی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۷۷).

ترجمه: بازرگانان کسانی هستند که (اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم را) از جاهای دور و پرت افتاده - در خشکی و دریا و در دشت و کوه- و جاهایی که مردمان با آن ها آشنا نیستند و قدرت رفتن به آن جاها را ندارند وارد می کنند.

البته وارد کردن کالا و تولید آن و خرید و فروش از اموری است که در اسلام - از جنبه های متعدد- دارای محدودیت است، همان گونه که در هر مکتب اقتصادی متعهد نیز چنین است تا چه رسد به یک مکتب الهی، بنابراین در اسلام چنین چیزی نیست که واردکنندگان اجناس و تولیدکنندگان و فروشندگان آزاد باشند تا هر چه دلشان می خواهد وارد یا تولید کنند.

با استفاده از توضیحات داده شده می توان به این نتیجه رسید، برای اینکه کشور اسلامی بتواند به مفاد قاعده نفی سیل عمل کند و راه تسلط و غلبه کفار را بر کشور اسلامی از بین ببرد، باید اقتصاد سالم و قدرتمندی داشته باشد و این کار جز با توجه به تولیدات داخلی آن کشور و پشتیبانی از آن میسر نمی شود.

بخش هفتم: نقش اقتصاد و توسعه اقتصادی در حکومت اسلامی

در دیدگاه اسلامی، توسعه اقتصادی برای جامعه، دستاورد برنامه های اسلام در اجرای احکام الهی و جامعه عمل پوشاندن به تعالیم آسمانی است. تا آنجا که نبی مکرم اسلام (ص) هر روز پس از نماز

صحیح، به گونه ای که اصحاب صدایشان را بشنوند، در کنار دعا برای اصلاح دین و آخرت، سه مرتبه این جملات را میفرمودند:

اللهم أصلح لي دنياي ألتى جعلت فيها معاشي (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱۸).

ترجمه: بارخدا یا! دنیای مرا به سامان آور، همان را که مایه زندگانی من قرار داده ای.

در این دیدگاه، جامعه انسانی هر گاه فرصت یابد تا دین خدا را به شیوه ای درست در زمین جاری سازد، شاهد شکوفایی اقتصادی خواهد بود. دین اسلام در حوزه تشریح و تبیین، دارای جهت گیری اقتصادی خاصی است که نگرش کلی اسلام به اقتصاد و به ویژه جایگاه پیشرفت اقتصادی را در دین نشان می دهد. اسلام خواستار پرورش انسان و جامعه ای تکامل یافته است، تکامل مورد نظر اسلام در زمینه سرمایه های مادی همان پیشرفت و توسعه اقتصادی است، که انسان و جامعه سالم در مسیر آن قرار دارند. اسلام به دنبال آباد کردن دنیا و تمکن بخشیدن به امت اسلامی است. لازمه چنین هدفی پیشرفت و توسعه اقتصادی است. مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصاد آن جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده، و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن پردازیم خواهیم دید که علت بروز تمامی آن ها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه دزدی، راهزنی، آدمکشی، گران فروشی، کمفروشی، غصب و سایر تعدیات وامی دارد، و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه مسکن و همسر و بی بندوباری در شهوات، هتک حرمت ها، تجاوز به جان، مال و ناموس دیگران وامی دارد. بنابراین برای قوام جامعه و حکومت اسلامی و سالم بودن آن، باید به اقتصاد و توسعه اقتصادی توجه لازم کرد و برای پیشرفت آن کوشید، زیرا اگر جامعه ای از نظر اقتصاد ضعیف باشد راه را برای تسلط بیگانگان باز گذاشته است.

بخش هشتم: رابطه توسعه اقتصاد اسلامی و پشتیبانی از تولیدات ملی بر مبنای قاعده نفی سبیل

یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است، همان طوری که از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است. اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی عیب و غیر قائم به غیر. گمان نمی رود هیچ عالم و بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. از نظر اسلام هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تأمین است. اسلام می خواهد که غیرمسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی و لو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد اسیر و برده او است (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ص ۴۰۵).

علی (ع) می فرماید:

احْتَجَّ الی مَنْ شَتَّ تَكُنْ اسیره، اسْتَغْنِ عَنْ شَتِّ تَكُنْ نَظیره، احْسَنْ الی مَنْ شَتَّ تَكُنْ امیره (آمدی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۴).

ترجمه: محتاج هر که شوی اسیر او خواهی بود، بی نیاز از هر که گردی با او برابر خواهی شد، و هر که را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی فرمانروای او خواهی شد.

پیشرفت و توسعه اقتصادی همراه خود تغییرات مهمی را در بنیادهای جامعه به وجود می آورد و این دگرگونی ها دقیقاً متناسب با نوع پیشرفت و روند توسعه اقتصادی است. بی شک برای کنترل و هدایت تحولات بنیادین جامعه، داشتن نظام اقتصادی مستقل و متناسب با فرهنگ و بیش و اعتقاد پیش بینی شده جامعه ضروری است. شعار استقلال و آزادی و استقرار نظام حکومت اسلامی بدون خود کفایی اقتصادی و رهایی از وابستگی و اسارت اقتصادی قابل قبول نیست. بدون اقتصاد سالم این هدف ها غیر قابل تأمین است. زیرا نیازمندی ملازم با اسارت و بردگی است. ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد. در اسلام بر اساس اصل کفاف و عفاف تأمین زندگی آبرومندانه از وظائف اولیه هر مسلمان شمرده می شود چنانکه نفی سلطه و استیلائی اقتصادی بیگانه از اهم واجبات

جامعه اسلامی است.

به استناد این دلایل و دلایل دیگری که به جهت اختصار از آن‌ها چشم پوشیدیم، نظام جمهوری اسلامی که نماینده و نمایانگر حکومت اسلامی است باید دارای نظام مستقل و مشخص اقتصادی بوده و با تکیه بر مبانی آن خط مشی‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی، حقوقی و اجتماعی خود را در زمینه‌های داخلی و خارجی ترسیم کرده به مورد اجرا بگذارد. می‌توان یکی از روش‌هایی که یک حکومت با کمک آن به استقلال اقتصادی میرسد را (حمایت از تولیدات ملی) نام برد، زیرا وقتی از تولیدات ملی پشتیبانی کافی به عمل بیاید و تولیدکننده داخلی با اعتماد به نفس مشغول کار شود جهش اقتصادی بزرگی به وجود می‌آید و در ادامه ما شاهد شکوفایی اقتصاد و استقلال حکومت اسلامی خواهیم بود. چون همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد نیازمندی یعنی اسارت و بندگی. پس ما برای رهایی از بندگی و سلطه کفار که مورد نهی خداوند است باید از تولیدات ملی حمایت کنیم.

بخش نهم: حمایت، پشتیبانی و مانع‌زدایی از تولید ملی

تمرکز کشور بر تولید ملی، به تقویت و تحکیم زیرساخت‌های کشور می‌انجامد، استقلال کشور را تضمین می‌کند، زمینه‌ها و فرصت‌های اشتغال را گسترش می‌دهد و می‌تواند راه کارهای منطقی و عینی برای حل معضل بیکاری، قلمداد شود. در نتیجه، از سرمایه‌های موجود که در برخی موارد در شغل‌ها و عرصه‌های کاذب هزینه می‌شوند و معیشت مردم را به درآمدهای نامشروع آلوده می‌سازند، استفاده مطلوب و بهینه و مشروع سازی ثروت، محقق می‌شود. طبیعی است، آخرین ترفند مستکبران جهانی و شیطان بزرگ برای مهار انقلاب اسلامی، تحریم و فشار اقتصادی، تجاری و بانکی است، بنابراین، با تمرکز بر تولید ملی، می‌توان کشور را از وابستگی به خارج نجات داد و در این مرحله از عمر پربرکت انقلاب اسلامی نیز مستکبرین جهانی را به بن بست کشانید. در سایه تولید، می‌توان از فقر و محرومیت کاست، بر توسعه و آبادانی افزود، شور و نشاط کار و تلاش را بالا برد، بیکاری را کاهش داد و مهارت‌های علمی و اقتصادی را بیشتر کرد (محمدی تنکازینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸). همچنین می‌توان گفت از مهم‌ترین درس‌های نهضت کربلا و از الفبای نخستین فرهنگ عاشورا، آزادی و حریت و تن‌به‌ظلم ندادن و اسیر ذلت نشدن است.

امام حسین (ع) فرموده اند:

موت فی عز خیر من حیة فی ذل (السروی مازندرانی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۶۸).

ترجمه: مرگ باعزت بهتر از زندگی با ذلت است.

همچنین در کربلا وقتی آن حضرت را میان جنگ یا بیعت مخیر کردند، فرمودند:

الا و ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین: بین السلء و الذلء، هیهات منا الذلء (سید ابن طاووس، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۶).

ترجمه: بدانید که این زنزاده فرزند زنزاده (ابن زیاد) مرا بین دو کار قرار داده: یکی شهادت و دیگری ذلت (بیعت با یزید) است. هیهات! و دور باد از ما که شهادت را قبول نکرده و تن به ذلت دهیم.

نهضت عاشورا، به همه مظلومان، درس مبارزه روحیه آزادگی داده است، و این عزت و سربلندی نیز در قاعده نفی سیل بر آن تأکید شده است. قیام مردم هند به رهبری گاندی علیه استعمار انگلیس نیز یکی از تأثیرات بزرگ قیام امام حسین (ع) و درس آزادگی او به همه انسان هاست.

بخش دهم: ضرورت حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی و رفع موانع آن با رویکرد دینی

در اقتصادی که مدنظر اسلام است، سعی بر این است که با استفاده از سلاح پویایی اقتصاد، حاکمیت سیاسی دولت اسلامی در روابط با بیگانگان حفظ شود، زیرا در روابط خارجی بین دولت ها، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به همپیوسته و درهم تنیده اند. دولت های اسلامی موظف هستند از هرگونه عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمین میگذشاید، خودداری کنند و پیشاپیش راه های نفوذی آنان را باندبیر و سیاست ببندند و از آنجا که بزرگ ترین راه نفوذ آنان، تأمین نیازمندی های اقتصادی است، از این رو اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار در قطع وابستگی و بستن راه های نفوذی آنان، از مهم ترین مسؤولیت های ملت اسلامی است.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمرو اسلام و بلاد مسلمین، ترس باشد که بیگانگان بر آن تسلط سیاسی یا غیر آن که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان ولو از حیث فرهنگی میشود، پیدا کنند، بر همهٔ مسلمین واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند، و اینگونه روابط، حرام می باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۹).

اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان موجب استیلای آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولت ها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند، و پیمان هایشان باطل است. و بر مسلمین واجب است آن ها را ارشاد کنند و آنان را ولو با مقاومت منفی، به ترک اینگونه روابط ملزم نمایند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۸).

بدیهی است که «قاعده نفی سیبیل» هرگز به مفهوم قطع رابطه با دیگر دول و اتخاذ سیاست انزوا نیست، بلکه مراد از آن نفی رابطه استعمارگونه و سلطه جویانه ای است که استقلال ملی مسلمانان را از آنان سلب کند.

عموم اقتصاددانان بر این باورند که گسترش تجارت خارجی و هم پیوندی اقتصادی هر کشور با سایر کشورها، یکی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی است و البته مبانی علمی محکمی برای اثبات این ادعا وجود دارد. اما روند کنونی واردات در کشور موجب شده است که توانایی تولیدکنندگان داخلی در رقابت با تولیدکنندگان خارجی تضعیف شده و بسیاری از فعالیت های اقتصادی توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند. در نتیجه تولید داخلی و رشد اقتصادی تحت تأثیر منفی واردات قرار گرفته و به تبع آن با محدود شدن اشتغال زایی در اقتصاد کشور، روند کنونی واردات، افزایش میزان بیکاری را نیز در پی داشته است (زمان زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

با توجه به پیامدهای منفی روند کنونی واردات بر میزان تولید و اشتغال کشور، قطعاً حمایت و پشتیبانی از تولید داخلی و برداشتن موانع و همچنین افزایش رشد اقتصادی و به تبع آن حفظ و گسترش فرصت های شغلی در صدر فهرست اهداف مدیریت واردات، قرار دارد. با این حال باید توجه داشت که حمایت از تولید و اشتغال داخلی در برابر واردات کالاهای خارجی، نمی تواند از طریق بستن مرزهای کشور و ممنوع کردن واردات و ایجاد شرایط انحصاری برای تولیدکنندگان داخلی فراهم گردد، زیرا این روند اگرچه می تواند در کوتاه مدت، اثرات مثبت محدودی داشته باشد، اما در بلندمدت به

تضعیف بیشتر تولید داخلی خواهد انجامید، بنابراین، حفظ فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار در اقتصاد داخلی باید در کنار هدف حمایت از تولید داخلی قرار بگیرد (زمان زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۳). خریداری کالای خارجی نابودی فرصت‌ها ی شغلی، بیکاری جوانان ایرانی، تضعیف روحیه تولیدکنندگان و وابستگی به بیگانگان را به دنبال دارد. مصرف‌کنندگان داخلی باید به این نکته توجه داشته باشند که مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی آن در کشور با همان کیفیت وجود دارد به معنای تعطیلی صنایع و کارخانه‌ها و به دنبال آن بیکاری خیل عظیم جوانان ایرانی است که در این کارخانه‌ها مشغول فعالیت هستند و این تداوم مصرف، سبب وابستگی اقتصادی به بیگانگان در جهت تأمین نیازهای کشور است، و این وابستگی راهی را برای تسلط بیگانگان باز می‌کند، در نتیجه مخالف قاعده نفی سبیل هست. همچنین در سیره پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)، آمده است که اگر کاری را انجام می‌دهید درست و محکم انجام دهید زیرا این کار (محکم و درست) محبوب و مطلوب خداوند هست. و روی: *أَنَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ رَأَى فِي قَبْرِ إِبْرَاهِيمَ ابْنَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلَا فِسْوَاهُ بَيِّدَهُ ثُمَّ قَالَ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنِ (قَمِي، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۱۶).*

ترجمه: روایت شده است که پیامبر (ص) در قبر ابراهیم پسرش خللی (خرابی) را دید، پس آن را تعمیر کرد، سپس فرمودند: هرگاه هر کس از شما کاری را که انجام می‌دهد متقن (محکم) نماید.

عالم ربانی شیخ حسین بن علی بن صادق بحرانی (ره)، در کتاب *الطريق الى الله*، در مورد درست انجام دادن کار فرموده اند:

كذلك من عمل عملاً ياتقان دخل تحت دعاء النبي صلى الله عليه وآله بقوله: *رحم الله من عمل عملاً فأتقنه، و لاريب ان دعاء النبي صلى الله عليه وآله مستجاب و من أدركته الرحمة من الله نجى من الهلكة* (بحرانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۵).

ترجمه: همچنین اگر کسی کاری را صحیح و متقن انجام دهد، مشمول این دعای رسول خدا (ص) می‌گردد که: خداوند فردی را که کار نیکویی انجام دهد و آن [کار] را محکم و متقن گرداند، مورد رحمت قرار می‌دهد

بی تردید دعای رسول خدا (ص) به اجابت می رسد، [و آن شخص مورد رحمت خاص خداوند قرار می گیرد] و کسی که رحمت الهی را درک نماید، از هلاکت نجات خواهد یافت (بحرانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵).

پس می توان گفت اگر بخواهیم به استقلال اقتصادی و در نهایت به استقلال کامل برسیم و راه تسلط کفار را ببندیم، باید کیفیت تولیدات خود را بالا برده تا مصرف کننده داخل نیز تمایل به خرید اجناس داخلی نماید که نتیجه این کار سربلندی و عزت کشور اسلامی هست. حمایت و پشتیبانی از تولید ملی و مصرف کالاهای داخلی، یکی از اساسی ترین روش های مقابله بانفوذ و استعمار دشمنان و تحریم های اقتصادی است که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز می گردد.

در کتاب گران قدر اصول مظفر بیان شده است که:

کل عاقل یجد من نفسه أنه إذا وجب علیه شیء و كان حصوله یتوقف علی مقدمات، فانه لا بد له من تحصیل تلك المقدمات لیتوصل إلى فعل ذلك الشيء بها (مظفر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۵۰).

ترجمه: هر عاقلی وجداناً درک می کند که اگر چیزی بر او واجب باشد و حصول آن شیء متوقف بر مقدماتی باشد، به ناچار بایستی ابتدا آن مقدمات را تحصیل کند تا توسط آن ها به آن چیز نائل گردد (محمدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۰).

به عقیده جناب مظفر، هنگامی که مولی بندگانش را به انجام ذیالمقدمه دستور داد و عبد دانست که این عمل مقدماتی دارد که بدون آن ها به ذیالمقدمه نخواهد رسید، این امر در تحریک و دعوت مکلف به انجام مقدمات، به ذی المقدمه به حکم عقل کفایت می کند.

و بعبارة أخرى: ان الامر بذی المقدمه لو لم یکن کافیا فی دعوة المكلف إلى الاتیان بالمقدمه فأی امر بالمقدمه لا ینفع و لا یکفی للدعوه إليها بما هی مقدمه

ترجمه: به عبارت دیگر اگر امر به ذیالمقدمه برای تحریک و دعوت مکلف به سمت مقدمه کافی نباشد هیچ امر دیگری برای دعوت به مقدمه از آن حیث که مقدمه است، نافع و کافی نخواهد بود (مظفر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۱۴).

با استناد به « قاعده نفی سییل » یک ملت اسلامی باید برای جلوگیری از تسلط کفار، استقلال خود را حفظ کند. برای حفظ استقلال همان گونه که رهبر معظم انقلاب (آیت الله خامنه ای مدظله العالی) فرموده اند باید به استقلال اقتصادی توجه ویژه نمود.

همان گونه که در فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب (آیت الله خامنه ای مدظله العالی) بیان شده است برای رسیدن به استقلال و عزت که این دستور در قاعده نفی سییل هم آمده است باید مقدماتی را انجام دهیم. لازمه رسیدن به استقلال و سربلندی، داشتن استقلال اقتصادی است و لازمه رسیدن به استقلال اقتصادی، حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی و رفع موانع آن هست.

لسان قاعده نفی سییل، حکومت واقعی است بر ادله اولیه، یعنی به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و هر معامله و ایقاع و قراردادی به حسب طبع اولی اش اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم بشود منفی است و اعتبار حقوقی ندارد. لازمه دین اسلام آن است که هر کس متدین به این دین شد دارای علو بر غیرمسلم است و احکام و قوانین اسلامی نباید سبب علو کفار بر مسلمانان و مؤمنان باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۵۸).

مفسر عالی مقام، علامه طباطبایی (ره) صاحب تفسیر گران قدر المیزان ذیل این آیه شریفه می نویسد:

و خدای تعالی هرگز کفار را ما فوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی دهد، معنایش این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی شود (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۸۹). پس می توان به این نتیجه رسید که هر گونه ارتباطی که باعث تسلط کفار بر مسلمانان بشود حتی اگر به صورت غیرمستقیم باشد بر اساس این آیه و قاعده نفی سییل مورد نکوهش پروردگار هست و باید از آن دوری کرد. می توان گفت حمایت و پشتیبانی از تولیدات ملی در راستای قاعده نفی سییل گام بر می دارد و ترجمان قاعده نفی سییل هست.

نتیجه گیری

با مطالعه تاریخ پر بار ایران، می توان به این نکته اشاره نمود که در سیره بزرگان دین و علمای بزرگ شیعه هم با تمسک به قاعده نفی سییل، برای حفظ استقلال و عزت کشور اسلامی از تولیدات ملی

حمایت و پشتیبانی شده است. با استناد به آیات و روایات گفته شده در این پژوهش، می توان به این نتیجه رسید که تولیدات ملی و پشتیبانی و رفع موانع از آن محبوب و مورد رضایت خداوند هست.

علم و فناوری، یکی از مهم ترین مسائل در رابطه با حفظ استقلال و عزت کشور هست. برای اینکه بتوانیم از زیر سلطه و استعمار بیگانگان خارج شویم لازمه آن همان گونه که رهبر فرزانه مان به آن اشاره کرده اند، به چیزهای زیادی از جمله علم و دانش نیازمندیم.

حکومت اسلامی می تواند با کافران غیرمحراب، در همه عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... ارتباط دیپلماتیک برقرار کند. تنها در جایی که این رابطه سبب سلطه بیگانگان بر قلمرو حکومت اسلامی شود، برقراری روابط جایز نیست. بر این اساس، برقراری هرگونه روابط تجاری با دولت های کافر جایز است مگر آن که با «قاعده نفی سییل» ناسازگار باشد. برای پشتیبانی و رفع موانع از تولیدات ملی به عنوان مصرف کننده، باید از کالای ایرانی استفاده کرده، همچنین تولیدکننده نیز موظف است کیفیت تولیدات خود را بهبود ببخشد.

با توجه به قاعده اصولی مقدمه واجب می توان به این نتیجه رسید که، پشتیبانی و رفع موانع از تولید ملی یکی از مقدمه های واجب قاعده نفی سییل است. با توجه به توضیحات گفته شده در این پژوهش، اگر حتی روابط تجاری و اقتصادی با کشور مسلمانی، برقرار کنیم که نتیجه این روابط باعث ضعف و رکود اقتصاد کشور شود و در نهایت این کار علتی بر وابستگی اقتصادی و در نتیجه - با توجه به بیانات رهبری- از بین رفتن استقلال کشور بشود، این گونه روابط - به طور غیرمستقیم می تواند راهی را برای تسلط کفار بر کشور اسلامی باز کند، که این عمل بر اساس قاعده نفی سییل مذموم پروردگار هست. پشتیبانی و رفع موانع از تولیدات ملی با تمسک به قاعده نفی سییل یک ارزش دینی محسوب می شود.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم
- ۲) آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۰۴، شارح: آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، تصحیح و تعلیق: جلال الدین، محدث، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۳) بحرانی، حسین بن علی، ۱۳۷۹، مترجم: شیروانی، علی، سلوک عرفان در سیره اهل بیت علیهم السلام، انتشارات وثوق، قم.
- ۴) تهانوی، محمد بن علی، ۱۴۰۳، محقق: دحروج، علی، مترجم: خالدی، عبدالله / زیناتی، جورج کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، لغتنامه، ۲ جلد، انتشارات مکتبه لبنان ناشرون، بیروت.
- ۵) حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلد، فقه روایی، انتشارات مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
- ۶) حسینی خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۱، بیانات در اجتماع مردم اسفراین، www.farsi.khamenei.ir
- ۷) حکیمی، محمدرضا / حکیمی، علی / حکیمی، محمد، ۱۳۸۰، مترجم: آرام، احمد: ترجمه الحیاء، ۸ جلد، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- ۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ قرآن، لغتنامه، جلد اول، انتشارات دارالعلم، دارالشامیه، لبنان، سوریه، چاپ اول.
- ۹) زمان زاده، حمید، ۱۳۸۹، مدیریت واردات: ضرورت ها، ابزارها و راهبرد سیاستی، نشریه اقتصاد تازه های اقتصاد، شماره ۱۲۹، سال هشتم.

- ۱۰) السروی مازندرانی، ابی جعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۱۱، مناقب آل ابی طالب، ۴ جلد، انتشارات علامه، قم.
- ۱۱) سید ابن طاووس (ره)، ۱۳۸۷، مترجم: عزیزی، عباس، ترجمه لهوف سید بن طاووس (ره)، انتشارات صلاة، تهران، چاپ دهم.
- ۱۲) سید رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، گردآورنده فرمایشات امام، امیرالمؤمنین، علیه السلام: محقق/مصحح: عطاردی، عزیزالله، نهج البلاغه، منابع فقه (روایی)، ۱ جلد، انتشارات مؤسسه نهج البلاغه، قم، چاپ اول.
- ۱۳) شییری زنجانی، سید موسی، ۱۴۱۹، کتاب نکاح، ۲۵ جلد، فقه استدلالی، انتشارات مؤسسه پژوهشی رایپرداز، قم، تهران، چاپ اول.
- ۱۴) صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، فقه روایی، انتشارات اسلامی وابسته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- ۱۵) طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۷، مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر: ترجمه تفسیرالمیزان، ۲۰ جلد، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ بیست و ششم.
- ۱۶) طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، امالی الشیخ الطوسی، ۱ جلد، انتشارات دار قم.
- ۱۷) عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، فقه استدلالی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
- ۱۸) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۷، محقق: محمودی، محمدباقر / علوی، عبدالزهرا، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الانمة الأطهار، جلد ۶۳، انتشارات دارالحیاء التراث العربی.

۱۹) محمدی متکازینی، سید علی، حسینی هرنندی، سید محمد حسین، ۱۳۹۱، سیره حمایت از تولیدات ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، چاپ اول.

۲۰) محمدی، علی، ۱۳۸۹، شرح اصول فقه، ۴ جلد، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ یازدهم.

۲۱) مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ۲۱ جلد، فقه استدلالی، ناشر معلوم نیست، قم، چاپ اول.

۲۲) مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۹، ترجمه: غرویان، محسن، اصول فقه، ۲ جلد، انتشارات دار الفکر، قم.

۲۳) مفتخری مظاهری، علیرضا، ۱۳۹۱، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ناشر معلوم نیست، تهران.

۲۴) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹، پیام امام امیر المؤمنین (ع)، ۱۵ جلد، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ اول.

۲۵) موحدی لنگرانی، محمدفاضل، ۱۴۱۶، القواعد الفقہی ه، قواعد فقہی، ۱ جلد، انتشارات چاپ خانه مهر، قم، چاپ اول.

۲۶) موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ، ۱۴۱۹، محقق/مصحح : مهریزی، مهدی/درایتی، محمدحسن، القواعد فقہیہ، قواعد فقه، ۷ جلد، انتشارات الهادی، چاپ اول، قم.

۲۷) موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، ۱۴۰۱، قواعد فقہیہ، ۲ جلد، انتشارات عروج، تهران، چاپ سوم.

۲۸) موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه ها؛ مقاله ها و خطابه ها و سخنرانی ها؛ فتواهای شیعه؛ پیام ها و سخنرانی ها، ۲۱ جلد، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.

۲۹) موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۳، مترجمان: اسلامی، علی/قاضی زاده، محمد، ترجمه تحریر الوسیله، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۳۰) موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۸، تدوین: الفیاضی، محمداسحاق، محاضرات فی اصول فقه، ۵ جلد، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

۳۱) مهریزی، مهدی، روابط اقتصادی مسلمانان با کافران، نشریه فقه و اصول فقه (کاووشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۷۵.

